

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال نهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۴۰۱

تعاملات شیعیان ری با دیگر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در عصر آل بویه

محمد سجاد فاطمی

چکیده:

شهر ری در دوره آل بویه، ساکنانی از مذاهب گوناگون داشت. این فرقه‌ها به لحاظ مذهبی شامل امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه و شافعیه و از نظر فکری شامل؛ معتزله، اشاعره، نجاریه، زعفرانیه، مجسمه، مشبیه و کلاییه، جهمییه بود. تنوع فکری و مذهبی باعث شده بود که عموماً محل زندگی آنها جدا از یکدیگر باشد.

با بررسی منابع، این نتیجه حاصل شد، که از یک سو، رویکرد مسالمت آمیز شیعیان در تعاملات اجتماعی با دیگر مذاهب و فرقه‌های ساکن ری، این امکان را به آنها داد که فرصت ظهور و فعالیت داشته باشند؛ و از دیگر سو نیز نقش حکومت آل بویه و حمایت‌های این دولت از شیعیان، عامل مهم دیگری در این پیشرفت بود.

در میان این فرقه‌های مختلف، شیعیان به خصوص امامی مذهب‌ان و زیدیان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی به رشد و پیشرفتی دست پیدا کردند، که مهمترین عوامل آن در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: شیعیان ری، فرقه و مذهب، اسلام، آل بویه.

مقدمه

شهر ری، از جمله شهرهای اسلامی، که از تنوع فکری و مذهبی برخوردار بود. این مذاهب شامل تشیع امامی، زیدی، اسماعیلی، حنفیه و شافعیه و فرقه‌هایی چون نجاریه، معتزله، کرامیه، اسحاقیه، مجبره، اشاعره، مشبهه، کلاییه، جهمیه و مجسمه بود. این تنوع فکری در ری، ضمن این که باعث درگیری‌ها و برخوردهای اجتماعی شده بود، به دلیل برگزاری مجالس مناظره میان صاحبان فرق و نگارش رسالات و ردیه‌ها و اعتقاد نویسی، نوعی نشاط علمی را ایجاد کرده بود.

به دنبال این تحولاتی که در ری پدید آمد، شهر، کانون توجه و مقصد مهاجرت دانشمندانی نظیر ابوریحان بیرونی، قاضی عبدالجبار معتزلی و شخصیت‌هایی از خاندان بابویه شد، که از امکانات علمی و فرهنگی که در این شهر پدید آمده بود، بهره بسیار بردند. روی کار آمدن شاخه‌ای از حکومت آل بویه در ری، باگرایش‌های شیعی و رویکرد تسامح‌گرایانه، این امکان را به شیعیان بخصوص امامی مذهب‌ان می‌داد تا بتوانند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی وارد شوند. بنابراین، ری نیز از تحولاتی که در فارس و بغداد، دیگر مراکز حکومتی آل بویه، پدید آمده بود مستثنی نماند و به یکی از شهرهای مهمی تبدیل شد، که شاهد مهاجرت خاندان مهم آل بابویه از قم و کانون توجه علمایی چون قاضی عبدالجبار معتزلی شد. حکام و وزراء بویهی با تأسیس رصدخانه و کتابخانه در این شهر و نیز برگزاری مجالس مناظره، بر این نشاط علمی افزودند.

علاوه بر نقش حکومت آل بویه، به عنوان عاملی بیرونی در پیشرفت‌هایی که در زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان بوجود آمد، نقش خود شیعیان را نیز به عنوان عاملی درونی، در برخورد با فرق و مذاهب مختلف ساکن ری باید در نظر گرفت. بر این اساس، حمله سلطان محمود غزنوی به ری در ۴۲۰ ق، کشتار



شیعیان و محور آثار فرهنگی شیعیان، به نابودی آنها ختم نشد، بلکه در دوره سلجوقیان، شاهد فعالیت شیعیان در دربار آنها و تأسیس مدارس شیعی و تألیف کتب مهم شیعی در این شهر هستیم. مسئله اصلی مقاله، این است که چه عواملی این رشد و پیشرفت را برای شیعیان در عرصه‌های مختلف به ارمغان آورد.

۱. تعاملات اجتماعی شیعیان

سرزمین جبال، برای هر سه گروه شیعیان امامی، زیدی و اسماعیلی زمینه رشد داشت. از قرن سوم تا پنجم هجری، بیشتر فعالیت‌های انقلابی از آن زیدیان و پس از آن نیز تا حمله مغول، به اسماعیلیان اختصاص داشت. سابقه حضور شیعیان امامی در ری، به دوران حیات ائمه علیهم السلام باز می‌گردد. از زمان امام محمد باقر علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام و بیست و چند تن از شیعیان ری از اصحاب ایشان بوده‌اند.

هر یک از شاخه‌های مختلف شیعه، روش خاصی در نشر مذهب و پیشبرد اهداف خود دنبال می‌کردند و این قضیه، در رفتار و ارتباط آنها با دیگر گروه‌ها و مذاهب تأثیر می‌گذاشت.

شیعیان امامی که سال‌ها رنج تقیه را متحمل شده بودند، در زمان حکوت آل بویه و فضای باز سیاسی و اجتماعی که این دولت برقرار کرده بود، وارد عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی شدند و برخلاف شیعیان زیدی و اسماعیلی، که معتقد به «قیام بالسیف» بودند، از دست زدن به انقلاب‌ها و فعالیت‌هایی که پیامدی جز نابودی نداشت، پرهیز کرده و در برخورد با حوادث و دگرگونی‌های سیاسی، برخوردی واقع بینانه داشتند. از دیگر سو، آنها سعی می‌کردند مطابق با رویکرد امامانی چون امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، به فعالیت‌های علمی و فرهنگی روی آورند. بدین ترتیب با حضور فعال در جامعه، موقعیت و جایگاه خود را حفظ می‌کردند. در ادامه، به بررسی نوع



تعاملات اجتماعی شیعیان با یکدیگر و اهل سنت ساکن ری، به عنوان یکی از عوامل مؤثر پیشرفت آنها پرداخته میشود.

تعاملات امامیان و زیدیان

مذهب زیدیه پیش از آل بویه، وارد ری شده بود و جای خود را در این شهر باز کرده بود. میان شیعیان زیدی و امامی، اشتراکات زیادی وجود داشت و برخی مسائل فقهی شان مطابق مذهب امامیه است. عموماً رابطه آنها با یکدیگر، مسالمت آمیز بوده و هر دو گروه در مجلس درس قاضی عبدالجبار معتزلی در ری، شرکت کرده و تحت تعلیمات معتزلی قرار می‌گرفتند. صاحب بن عباد هم آنها را به میان حنفیان ری، برای تبلیغ کلام معتزلی می‌فرستاد. زیدیان بیشترین کسانی بودند، که به مکتب قاضی پیوستند و تحت تعلیمات معتزلی قرار گرفتند. زیدیان به دلیل انتساب به علویان و سادات و نحوه سلوکشان در پاسداشت شعائر دینی، از مقبولیت و موفقیت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند. آنها و امامیان در ری، غالباً زندگی آرامی داشتند.

تعاملات امامیان و اسماعیلیان

اولین فعالیت تبلیغی اسماعیلیان، در منطقه جبال در قرن سوم هجری رخ داد، و نخستین داعی، فردی به نام خلف بود، که از سوی عبدالله بن میمون قداح به ری اعزام شد. در واقع، سابقه حضور شیعیان در ری بود که اسماعیلیان را در آغاز دعوتشان در آنجا، مصمم تر کرد. خواجه نظام الملک طوسی می‌نویسد:

"خلف را میمون قداح اهوازی فرستاده بود و به او گفته بود که به جانب ری شو که آنجا در ری، قم، کاشان و آبه همه رافضی اند و دعوی شیعت کنند و دعوت تو را زود اجابت کنند و کار تو آن جایگاه بالا گیرد."

اغلب داعیان اسماعیلی، که تعدادی از آنها همچون خلف، غیاث، ابوحاتم رازی، ابویعقوب اسحاق سجستانی در ری مشغول کار دعوت بودند، از افراد

هوشمند، فیلسوف، سیاستمدار و آشنا با خلیقات مردم بودند. حسن صباح نیز در ری متولد شد و نخستین بذر تفکرات زیدی در ذهن وی شکل گرفت و خیلی زود تحت نفوذ تعلیمات اسماعیلی درآمد.

سیاست رفتاری آل بویه، به گونه ای بود که تبعیضی میان شاخه‌های مختلف شیعه قائل نبودند. در اواخر قرن چهارم هجری، نفوذ اسماعیلیان افزایش یافت. در ۳۶۰ ق، از حمایت فعالانه عزالدوله و ابوتغلب حمدانی برخوردار بودند. عزالدوله و عضدالدوله نیز، اقطاعاتی به آنها داده بودند. رفته رفته اسماعیلیان از ری به سمت الموت پیشروی کردند. آنها می خواستند یک نظام حکومتی، بر اساس تشیع اسماعیلی در ایران ایجاد کنند، اما سلاجقه برخلاف آل بویه، نمی توانستند شاهد جدا شدن بخش‌های مهمی از قلمرو خود و ظهور حکومت دیگری در کنار خود باشند، بر این اساس، سخت‌گیری بر اسماعیلیان در دوره پس از آل بویه، بیشتر شد و درست در زمانی که جنبش نیرومند اسماعیلیه، راه را برای برانداختن خلافت عباسی هموار میساخت، قدرت خود را در ایران استقرار بخشید.

اسماعیلیان به خاطر فعالیت‌های سرّی و اتخاذ سیاست ترور، در نگاه جامعه اسلامی مطرود بودند و عموماً شیعیان امامی از این که آنها را با اسماعیلیان یکی قلمداد کنند، بیزار می‌جستند و در صدد انکار بر می‌آمدند؛ چنانچه خواجه نظام الملک طوسی، که تمایلات ضد شیعی شدیدی داشت، همه ی فرق شیعه را با اسماعیلیان یکی می‌دانست.

در نامه ای که سلطان محمود غزنوی به القادر، خلیفه عباسی می‌نویسد هدف حمله خود را به ری، نابودی دیلمیان، زنادقه و باطنیان بیان می‌کند و بسیاری از آثار فلسفی و معتزلی آنها را با تخریب کتابخانه صاحب بن عباد از بین برد.



فشاپویه و کلین، از جمله مراکز سکونت اسماعیلیان در ری بود. به رغم آن که در دوره مورد بحث، اسماعیلیان تشکّل و انسجامی را که در دوره سلاجقه پیدا می‌کنند، نداشتند، امادر دوره آل بویه، از چنان اهمیتی برخوردار بودند که خودشان و کتابهایشان، هدف حمله سلطان محمود قرار گرفت. از این رو بود که شیخ کلینی کتاب الرد علی قرامطه را نوشت و در آن موارد اختلاف اسماعیلیان را با سایر مذاهب شیعه بیان کرد. عبدالجلیل رازی نیز در کتاب خود، که با روحیه ای جدلی به دفاع از مواضع شیعیان پرداخته است، از اسماعیلیان با عناوینی نظیر؛ ملحد، باطنی و ملعون یاد میکند.

۱۲

تعاملات شیعیان و اهل سنت

در زمان آل بویه، اهل سنت ایران به یکی از دو فرقه حنفی و شافعی تعلق داشتند و به دلیل رقابت همیشگی، که میان این دو فرقه وجود داشته، اغلب، آنان را فریقان میگویند.

حنفیان در طول قرن دوم و نیمه نخست قرن چهارم هجری، از مکتب کلامی حسین نجار پیروی می‌کردند. پیروان این مذهب، بیشتر در نواحی ری، قزوین و گرگان وجود داشتند. آنان در تعریف ایمان، مرجئی و به شدت جبرگرا بودند، اما در باب صفات الهی، عقیده ضد تشبیه داشتند که به عقیده معتزلیان در این باب، نزدیک است.

اکثر حنفیان اطراف ری، پیرو زعفرانیه بودند که در قضیه «رد اصل خلق قرآن» با نجاریه اختلاف نظر داشتند. مذهب شافعی در بخش غربی و میانی ایران، در شهرهای بزرگی چون اصفهان، شیراز، ری و گرگان از نیمه قرن سوم هجری رواج یافت و تا قرن پنجم هجری، در برخی از شهرهای ایران بر مذهب حنفی برتری داشت.

شافعیان و حنفیان ری، علاوه بر این که به لحاظ فقهی، در تقابل یکدیگر بودند، از نظر عقیدتی نیز، با یکدیگر اختلاف داشتند؛ نجاریه، معتزله، بادنجانیه، کرامیه، ابواسحاقیه، مذهب حنفی، و مجبره، اشاعره، مشبیه، کلاییه، جهمییه و مجسمه نیز شافعی بودند. اختلاف میان این دو فرقه، به حدی بود که باعث جدایی محل زندگی این دو فرقه از یکدیگر شده بود؛ شرق ری، کهندژ یا قلعه طبرک و بخشی از شارسنان ری، محل اقامت حنفیان بود و شافعیان نیز در سمت جنوب کوه بی بی شهربانو واقع در شرق ری سکونت داشتند. معماری خانه‌ها نیز تحت تأثیر این حوادث قرار گرفت. بنا به نقل یاقوت حموی، خانه‌های آنها در زیر زمین قرار داشت و درهای آنها در نهایت تاریکی بود و در رفت و آمد با مشکل مواجه بودند. درگیری‌های این دو گروه، مورد اذعان مورخان ادوار مختلف است.

یاقوت می‌نویسد که در ابتدا درگیری میان شیعه و سنی و بعدها میان حنفیان و شافعیان بوجود آمد و شافعیان با وجود کمی جمعیت همواره بر حنفیان پیروز بودند و محله‌های حنفیان منخروب گردید. این درگیریها سرانجام، نابودی و تخریب شهر را در پی داشت.

درگیری و اختلاف میان اهل سنت، ذهن آنها را از درگیری و رقابت با شیعیان منحرف می‌ساخت و باعث می‌شد شیعیان زندگی آرام تری داشته باشند و اساساً همین قضیه، در پیشرفت شیعیان در ری مؤثر بود. از دیگر سو، هر یک از دو گروه حنفی و شافعی در رقابت با یکدیگر، خود را به شیعیان نزدیک می‌کردند؛ گاه حنفیان (بر ضد شافعیان) با شیعیان متحد می‌شدند و گاه شافعیان در اظهار محبت بر اهل بیت علیهم السلام، با شیعیان همراه می‌شدند و در مراسم‌های خاص شیعیان همچون عزاداری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، شرکت می‌کردند، حتی به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیه و



دیگر مراقد علویان در ری، می‌رفتند. علاوه بر این، حنفیان به همراه امامیان و زیدیان به فراگیری تعالیم مکتب کلامی معتزله می‌پرداختند. این مکتب، با تلاش‌های صاحب بن عباد و دعوت وی از قاضی عبدالجبار معتزلی، در ری گسترش پیدا کرد و باعث رشد عقل‌گرایی در این شهر شد. صاحب، مبلغان معتزلی را به میان حنفیان شهر می‌فرستاد، تا از اندیشه‌های اعتزالی آنها تأثیر پذیرند و بدین ترتیب آنها را به تبدلات فکری تشویق میکرد.

۲. تعاملات علمی و فرهنگی شیعیان

تنوع فکری و مذهبی که در ری وجود داشت، علاوه بر این که بر روابط و تعاملات اجتماعی میان فرق و مذاهب تأثیر می‌گذاشت، به دلیل تبادل اندیشه‌ها و برخورد های فکری که میان آنها بوجود می‌آمد، نوعی نشاط علمی را در ری ایجاد کرده بود که در قالب مناظره، مکاتبه و نگارش کتب کلامی و اعتقادی و رديه نویسی نمود پیدا کرد. در حالی که این دوران، مصادف با آغاز غیبت کبری (۳۲۹ ق) بود. بنابراین شیعیان ری، چون شیعیان دیگر شهرهای حوزه حکومتی آل بویه، از فضای باز سیاسی و اجتماعی ایجاد شده توسط این دولت، استفاده کرده و در خلال فعالیت‌های علمی، به دفاع از تشیع و توجیه مسئله امامت و غیبت امام زمان (عج)، که از مسائل آن روز جامعه شیعه بود، پرداختند.

۱۴

مناظره

مناظره یکی از قدیمی ترین شیوه‌های برخورد اندیشه به شمار می‌رود که در قرن دوم هجری، بهترین وسیله برای استنباط حقایق فقهی و استخراج اصول و قواعد آن در بین فقها بود. این شیوه به مرور زمان، در علوم گوناگون و در مکان‌های مختلف انجام گرفت.

با شدت یافتن جنبش معتزله در عصر مأمون، روحیه مناظره و برگزاری مجالس بحث نیز بیشتر شد. یکی از مکان‌هایی که مناظره در آنجا بر پا می‌شد،

دربارها و کاخ‌ها بود، که حکام و سلاطین با انگیزه‌های مختلف این کانون‌ها را فراهم می‌آوردند و خود با حضور در این مجالس، به وجد می‌آمدند. نمونه آن، مناظرات شیخ صدوق در دربار رکن الدوله در ری است. شیخ صدوق، که به دنبال دعوت مردم ری و رکن الدوله، به این شهر مهاجرت کرد، به دنبال این دعوت بود، که خاندان بابویه بعد از قم، در این شهر به حیات خود ادامه دادند و حتی حضور این خاندان در ری، به گسترش مذهب تشیع کمک شایانی کرد. در سایه حمایت این حاکم، از فرصت استفاده کرده، و طی مناظراتی، که بخش‌هایی از آن را در دو کتاب مهم خود یعنی عیون اخبار الرضا و کمال الدین و تمام النعمه آورده است، واقعیت شیعه و مکتب اهل بیت را برای کسانی که مکتب شیعه را باطل می‌دانستند، تشریح، و به چهره سرشناس شیعه و « مبارز القمیین » ملقب شد. از همان اولین جلسه مناظره، که در حضور رکن الدوله برگزار شد، مورد تأیید و تمجیدوی قرار گرفت، به طوری که رکن الدوله از او خواست در بیشتر اوقات در مجلسش حاضر شود.

شیخ صدوق، مذاکرات دیگری هم، راجع به علت غیبت امام زمان (عج)، با یکی از علمای عصر خود داشته است، که بخشی از آن را در کمال الدین و تمام النعمه آورده است. دیگر رسالات او نظیر " ذکر مجلس الذی جری له بین رکن الدوله " ذکر المجلس الآخر ذکر مجلس الثالث ذکر مجلس الرابع و ذکر مجلس الخامس حاوی مناظراتش است. به طور کلی، مضمون مناظرات شیخ صدوق، پیرامون خلافت، امامت، غیبت امام زمان و دوره حیرت است.

علی بن حسین بن بابویه، پدر شیخ صدوق، کتابی به نام الکرم و الفر دارد که مناظره‌ی وی با محمد بن مقاتل رازی در ری است. این مناظره درباره اثبات امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، که به دنبال این مناظره، محمد بن مقاتل شیعه می‌شود.



مکاتبه و ردیه نویسی

یکی از شیوه‌های آموزشی، مکاتبه بود که گاه در آن فرد، سوالات خود را برای استادش و یا برای عالمی، به صورت یک نامه یا رساله می‌نوشت و آن عالم هم، پاسخ سوالات وی را در رساله ای جدا می‌نوشت و برایش می‌فرستاد. این نامه‌ها و رساله‌ها ممکن بود بعدها تبدیل به کتاب شود. عنوان مسائل بر روی برخی کتاب‌ها، اشاره به این موضوع دارد. از جمله این مکاتبات، مکاتبه میان شیخ مفید و شیخ صدوق است. شیخ مفید، تصحیحی بر اعتقادنامه شیخ صدوق می‌نویسد و در بسیاری از مسائل، گاه با خشونت بر استاد خرده می‌گیرد. شیخ مفید، ممانعت ابن بابویه را از پرداختن به کلام و مجادلات مذهبی رد می‌کند و بر این باور است، که ائمه علیهم السلام کسانی را که دارای اعتقاد راسخ و مسلط در استدلال هستند، به دفاع از دین حق در برابر بدعت گزاران و کافران تشویق کرده‌اند. شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد نزدیک به چهل مسئله اعتقادی و کلامی بر استادش انتقاد می‌کند و برخی از آراء و عقاید کلامی حدیثی او را از منظر و موضع عقلی و اعتزالی خود جرح و نقد و اصلاح می‌کند.

حسین بن علی، برادر شیخ صدوق، کتاب الرد علی الواقفیه و التوحید و نفی التشبیه را به درخواست صاحب بن عباد در رد این دو فرقه نوشت. ابن حجر عسقلانی، او را از فقهای امامیه معرفی کرده و اظهار می‌کند که صاحب بن عباد، وی را بسیار مورد احترام قرار میداد. ابن قبه رازی نیز چنین آثاری دارد. او کتابی به نام الانصاف، در بحث امامت می‌نویسد و ابوالقاسم بلخی هم پس از این که، کتاب او را می‌خواند، المسترشد فی الامامه را در نقض کتاب وی می‌نویسد. این بار ابن قبه، المستثبت فی الامه را می‌نویسد. ابوالقاسم بلخی باز با همان روحیه جدلی خود، این اثر ابن قبه را با نوشتن کتاب نقض المستثبت رد می‌کند، اما مرگ، فرصت این را به ابن قبه رازی نمی‌دهد تا از اندیشه‌های خود دفاع کند. ابن قبه یکبار نیز پس از مناظرهایی که با ابوزید علوی زیدی مذهب داشته است،

کتاب الاشهاد وی را که در رد مذهب امامیه بوده با نوشتن کتاب نقض الاشهاد رد می‌کند. وی در این رساله اشکالات ابوزید را یک به یک آورده و به آنها پاسخ داده است. از دیگر ردیه‌ی وی، اثری است که در رد ابوعلی جبایی، تحت عنوان الرد علی ابوعلی جبایی نوشته است.

منقبت خوانی و ترویج فرهنگ شیعی

از جمله تحولاتی که در پی روی کار آمدن آل بویه، در زندگی اجتماعی و فرهنگی شیعیان پدید آمد، آزادی شیعیان در اجرای مراسم و شعائر شیعی بود. یکی از این شعائر، منقبت خوانی بود.

مناقب جمع منقبت، به معنای خصال نیک و سجایای پسندیده است. مناقب خوان؛ ستایش گرانگه علیهم السلام و کسی است که محامد آنان را بر می‌شمارد (در مقابل فضائل خوان). موضوع قصاید مناقیبان، برخی اصول عقاید شیعه نظیر تنزیه، عدل، عصمت ائمه علیهم السلام و معجزات آنها بود. شاعران این قصاید و اشعار، جدای از مناقیبان بودند. این شاعران، عموماً تحت عنوان مداح شناخته می‌شدند. مداحی برای اهل بیت علیهم السلام، رسمی بود که در شهرهای شیعه مذهب آن دوره، از جمله در ری، رواج داشت. این ابزار فرهنگی، در ادوار بعد ادامه می‌یابد. در فهرست منتجب الدین بابویه، نام بسیاری از این مداحان و مناقیبان همچون؛ سید تاج الدین ابوتراب و شیخ ابوالحسین عاصم عجلی مداح آمده است. گروهی از متعصبان اهل سنت، برای ختنی کردن تأثیر مناقیبان از فضائل خوانان استفاده می‌کردند. آنها کسانی بودند، که فضائل ابوبکر و عمر را می‌خواندند و شیعیان را ناسزا می‌گفتند. عبدالجلیل قزوینی گزارش‌های بیشتری از مناقیبان و فضائل‌یان ری ارائه می‌دهد. او در این باره می‌نویسد:



... و این عقیده نو نیست که مناقبی و فضائلی در بازارها مناقب و فضائل خوانند، اما ایشان همه عدل و توحید و نبوت و عصمت خوانند و اینان همه جبر و تشبیه و لعنت ...

اهل سنت در برابر مغازی واقعی امام علی علیه السلام و پهلوانی‌های آن حضرت، که موضوع اشعار شیعیان بود، به ذکر صفات ابوبکر، عمر، عثمان و حکایات بی اصل رستم و سهراب، اسفندیار و کیکاووس و زال و... می‌پرداختند. منقبت خوانی در ری، عموماً در بخش‌هایی از شهر که محل رفت و آمد عموم مردم بود مانند؛ قطب روده، رشته نرمه، سرقسان، مسجد عتیق، دروازه مهران و در مصلحگاه برگزار می‌شد؛ و به تبلیغ مذهب تشیع و فرهنگ شیعی در جامعه آن روز ری، می‌پرداختند.

۱۸

۳. نقش حکومت آل بویه

نقش حکومت را در رشد و یا در انحطاط علمی و فرهنگی یک جامعه، نمی‌توان نادیده گرفت و اساساً یکی از عوامل مهم که در رشد و یا ضعف و زوال علوم دخالت دارد، عنصر حکومت است. همچنان که علاقه‌ی برخی از خلفای عباسی نظیر مأمون، دوره درخشان نهضت ترجمه، رشد اعتزال و عقل‌گرایی و پیدایش مراکز علمی چون دارالعلم، کتابخانه و رصدخانه را به ارمغان آورد، متقابلاً تعصب و جانبداری از مذهبی، مانع پیشرفت و رشد علمی می‌شود و عملاً جلوی ظهور و بروز برخی فرقه‌ها گرفته می‌شود.

یکی از دوره‌های درخشان تمدن اسلامی، سده‌های چهارم و پنجم هجری است، که باید آن را دوره‌ی باروری علوم و فنون در تمدن و فرهنگ اسلامی، پس از دوره نقل و ترجمه و تفسیر علوم برشمرد. آثار چشمگیر دانشمندان حوزه‌ی حکومت آل بویه، در زمین‌های گوناگون علمی اگر چه برآمده از روند تاریخی و متکامل دانش پژوهی در قلمرو اسلام است، اما نمی‌توان از وابستگی

بخشی از آن به برخی از حکام و وزرای فرهیخته آل بویه، چشم پوشید. بنابراین، علاقه‌ی حکام و وزراء بویهی از یک سو، و رویکرد تساهل و تسامح گرایانه آنها در عرصه‌ی اجتماعی، سیاسی و علمی از دیگر سو، عامل مهمی در پیشرفت علمی و فرهنگی به خصوص برای شیعیان بوده است.

علم دوستی حکام و وزراء بویهی

از میان حاکمان بویهی که علاقه وافری به علم داشته اند، می‌توان از عضدالدوله یاد کرد، که به رغم علاقه فراوان به تجمل و تشریفات و برگزاری جشن و مجالس عیش و عشرت، هرگز از توجه به دانش و دانشمندان و کوشش برای ترویج علم و ادب غافل نماند و خود در کسب معارف آن روزگار، از شعر و ادب گرفته تا هندسه و نجوم، با دقت و علاقه می‌کوشید؛ چنان که سیاست و کشورداری را نزد ابوالفضل بن عمید، نجوم را از عبدالرحمن صوفی و نحو را از ابوعلی فارسی آموخت و همواره به شاگردی آنان افتخار می‌یکرد.

حکام بویهی شاخه‌ی ری، کم از حکام بویهی بغداد نداشتند؛ رکن الدوله بسیار به علم و دانش علاقه مند بود. دربار وی کانون مناظرات علمی و کلامی بود. همانطور که پیش از این ذکر شد؛ مرتبه بالای علمی شیخ صدوق، عالم بزرگ شیعی این دوره، نظر رکن الدوله را به خود جلب کرد و باعث شد، که وی را به ری فراخواند و زمینه‌ی مناظراتش را در دربار فراهم آورد. رکن الدوله در کنار دربارش، رصدخانه‌ی داشت که منجمان و ریاضیدانان شیعه و سنی در آن مشغول به کار بودند. عبدالرحمن صوفی رازی، ابن الاعلم، ابوسهل کوهی، احمد صاغانی و ابوالوفای بوزجانی از جمله منجمانی بودند که در رصدخانه‌ی ری مشغول به کار بودند. وجود همین رصدخانه و امکانات علمی که داشت، باعث سفر علمی ابوریحان بیرونی در زمان حکومت فخرالدوله، به ری شد.



مجدالدوله، آخرین حاکم بویهی ری، بیشتر عمر خود را در کتابخانه گذراند. ابن سینا، که برای معالجه ی وی به ری آمده بود، در دربار او کتاب مبدأ و معاد را نوشت. نزدیکان و وزیران دانشمند و ادیب آنها نیز در گسترش مرزهای دانش و پرورش ارباب علم و معرفت، سهم به سزایی داشتند. وجود این وزیران، که غالباً از مرتبه ی دبیری به منصب وزیری دست یافتند و سررشته کلیه امور اداره کشور را در دست گرفتند، از مزایای بارز این دوره است. همان طور که سامانیان از وزیران دانشمند خاندان بلعمی، عتبی، جیهانی، مصعبی بهره بردند، غزنویان نیز از وجود ابوالفضل اسفراینی، احمد بن حسن میمندی، حسک وزیر و ... متمتع بودند، دربار آل بویه نیز برخوردار از حضور ابوالفضل بن عمید و پسرش ابوالفتح، و ابوسعید آبی وزیر شیعی مجدالدوله که کتاب نثر الدر را نوشت. صاحب بن عباد و ... بود که با داشتن پشتوانه های علمی و مایه های معنوی، خود از حامیان دانشمندان و بانیان مراکز علمی و آموزش بودند. علاوه بر این که خانه و دربار این وزیران، کانون مجالس و محافل علمی و ادبی بود، صاحب کتابخانه هم بودند.

ابن عمید کتابخانه ای معادل صدبار شتر کتاب در انواع علوم داشت، که اداره آن را به حکیم و مورخ مشهور، ابوعلی مسکویه رازی سپرده بود. صاحب بن عباد نیز که نزد ابن عمید، سالها درس وزارت آموخته بود، در علم دوستی و ادب پروری گوی سبقت از وزیر سلف ربوده بود. وی مجالس خود را همواره به وجود ادیبان و زبان آوران می آراست و بزرگان حکمت و پزشکی و ریاضیات را مورد حمایت خود قرار می داد. کتابخانه ای در محله روده ری داشت، که به نقل یاقوت حموی، فهرست کتابهای موجود در آن به ده مجلد می رسید. بخش عظیمی از این کتابخانه، که حاوی کتابهای کلامی و فلسفی و نجومی معتزلیان بود، به دنبال یورش محمود غزنوی به ری، به فرمان وی در آتش سوزانده شد.

صاحب علاوه بر تدریس ادب و حمایت از دانشمندان در مقرر وزارت خود، در شهرهای ری و اصفهان، از رسیدگی به احوال علما و سایر بلاد اسلامی غافل نبود و سالانه پنجاه هزار درهم به بغداد می‌فرستاد تا بر علما و فقها و سادات و قرآء و شعرا و صلحا قسمت کنند.

رویکرد تساهل و تسامح گرایانه آل بویه

یکی از ویژگی‌های بویه‌یان، رویکرد تسامح گرایانه آنها بود. مهم‌ترین دلایل این طرز فکر را، باید در رویکرد شیعی این خاندان و طبقه حاکم و متفکران برجسته این عصر و نیز ایرانی بودن اعضای این خاندان، که نگرشی مثبت به میراث فرهنگی سایر تمدن‌ها داشتند، دانست.

سیاست تساهل گرایانه و عدم تعصبات مذهبی، از شدت درگیری‌ها می‌کاست و از دیگر سو، فرصت ظهور فرق‌های مختلف را در عرصه‌های علمی و اجتماعی فراهم می‌کرد. در سایه همین رویکرد، صاحب بن عباد، قاضی عبدالجبار معتزلی را به ری دعوت کرد، که نتیجه آن رشد عقل‌گرایی و تبدیل شدن ری به مرکز اعتزال در ایران عصر بویه بود. قاضی، خود شافعی بود و در میان شاگردانش؛ امامیان، زیدیان و حنفیان دیده می‌شدند. همانطور که گفته شد صاحب، مبلغان معتزلی را به میان حنفیان شهر می‌فرستاد. شیعیان به خصوص امامی مذهب، از این فرصت و فضای باز اجتماعی و سیاسی که ایجاد شده بود، بیش از سایرین استفاده کردند. برگزاری مراسم عزاداری برای اباعبدالله علیه السلام و منقبت خوانی‌ها و نیز تحول در امور اجتماعی چون نقابت، از جمله آن بود.

عملکرد آل بویه در زمینه‌ی منصب نقابت و به‌طور کلی در گرایش به امامیان، اگر هم سیاستی به حساب آید، اقدامی بود که در سازمان بندی اجتماعی شیعه بسیار اثر داشت. با روی کار آمدن آل بویه، منصب نقابت از حالت موروثی



خارج شد. از این زمان به بعد، بویه‌یان نقیب شیعیان را از میان علویان با نفوذ، که بسیار هم مورد احترام بودند، انتخاب می‌کردند و هر شهری که تعداد علویان آن زیاد بود و امکان جعل نسب، در آنجا می‌رفت نقیبی برایشان برمیگزیدند. جریده‌الری تألیف سید ابوالعباس احمد بن مانکدیم بن علی بن محمد است، که برای معرفی انساب سادات ری، از منابع موثق گردآوری شده است، دلیلی بر این مدعاست.

نتیجه

شهر ری در دوره آل بویه، ساکنانی از مذاهب گوناگون داشت. این فرقه‌ها به لحاظ مذهبی شامل امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه و شافعیه و از نظر فکری شامل؛ معتزله، اشاعره، نجاریه، زعفرانیه، مجسمه، مشبهه و کلاییه، جهیمیه بود. تنوع فکری و مذهبی باعث شده بود که عموماً محل زندگی آنها جدا از یکدیگر باشد.

با بررسی منابع، این نتیجه حاصل شد، که از یک سو، رویکرد مسالمت آمیز شیعیان در تعاملات اجتماعی با دیگر مذاهب و فرقه‌های ساکن ری، این امکان را به آنها داد که فرصت ظهور و فعالیت داشته باشند؛ و از دیگر سو نیز نقش حکومت آل بویه و حمایت‌های این دولت از شیعیان، عامل مهم دیگری در این پیشرفت بود.

در میان این فرقه‌های مختلف، شیعیان به خصوص امامی مذهببان و زیدیان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی به رشد و پیشرفتی دست پیدا کردند، که مهمترین عوامل آن از این قرار است:

(۱) روحیه مسالمت آمیز شیعیان با یکدیگر و تعاملاتشان با اهل سنت در عرصه اجتماع.

۲) اختلاف میان حنفیان و شافعیان ری، و انحراف ذهن آنها را از درگیر شدن با شیعیان.

۳) فضای رقابتی که معلول حضور گروه‌ها و فرق‌های مختلف فکری و مذهبی بود، باعث تعاملات فکری میان آنها می‌شد. شیعیان با برگزاری جلسات مناظره و مکاتبه و ردیه نویسی، به دفاع از مواضع شیعه، همزمان با آغاز غیبت کبرای امام زمان (عج) می‌پرداختند.

۴) استفاده از ابزارهای فرهنگی همچون منقبتخوانی در جهت ترویج فرهنگ شیعی.

۵) علم دوستی و روحیه تسامح گرایانه حکام و وزراء بویهی و احداث مراکز علمی چون کتابخانه و رصدخانه در ری، دعوت عالمانی چون شیخ صدوق و قاضی عبدالجبار معتزلی به ری، زمینه فعالیت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای شیعیان فراهم آورد و بدین ترتیب، ری از دیگر مراکز حکومتی بویهیان، مثل فارس و بغداد بازماند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۰۳ ق)، الذریعه الى تصانیف الشیعه ، بیروت: دارالاضواء.
۲. ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۰۷ ق)، الکامل فی التاریخ ، تصحیح محمد یوسف دقاقه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۶ ق)، لسان المیزان ، بیروت : داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ ق)، معالم العلماء، نجف: الحیدریه
۵. بیانی، شیرین، (۱۳۷۱ ش)، دین و دولت در ایران عهد مغول ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. بیرونی، ابوریحان، (۱۳۵۲ ش)، التفهیم لاولئل صناعه التنجیم ، تهران: انجمن آثار ملی.
۷. جوینی، عطاملک بن بهاء الدین، (۱۹۳۷)، تاریخ جهانگشا ، لیدن: بریل.
۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۰۵)، کمال الدین و تمام النعمه ، قم : مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم ، قم: شریف رضی.
۱۰. غنیمه، عبدالرحیم، (۱۳۸۸)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. فصیح خوافی، احمد، (۱۳۳۹ ش)، مجمل فصیحی ، به کوشش محمود فرخ، مشهد: آستان قدس.
۱۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۳۱ ش)، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تهران: بینا.
۱۳. قزوینی، علاءالدین امیر محمد مهدی، (بی تا)، فکر الترویج عند الشیعه الامامیه ، قاهره: دارالتقافه.
۱۴. قفطی، علی بن یوسف، (۱۳۴۷ ش)، تاریخ الحکما، به کوشش بهمن دارابی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. کاهن، کلود و مفیزالله کبیر، (۱۳۸۲ ش)، بویهیان ، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۱۶. کسای، نورالله، (۱۳۸۳)، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران ، تهران: دانشگاه تهران.